

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

عنوان:

جایگاه آسیای مرکزی در تأمین امنیت انرژی چین

نگارش:

جواد زراعت پیما

استاد راهنما:

دکتر الهه کولایی

استاد مشاور:

دکتر داوود آقایی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته مطالعات منطقه‌ای-آسیای مرکزی و قفقاز

مهرماه ۱۳۸۹

چکیده

در چند دهه اخیر، کشورهای در حال توسعه روند شتابانی را در مصرف انرژی از خود نشان داده و در آینده این میزان افزایش چشمگیری خواهد یافت. چین به عنوان بزرگترین کشور در حال توسعه جهان (از لحاظ اقتصادی)، برای ادامه توسعه اقتصادی خود نیاز شدیدی به انرژی دارد. از آنجایی که این کشور توانایی تولید تمام انرژی مورد نیاز خود در داخل را ندارد، بنابراین ناگزیر است از منابع خارجی آن را تأمین کند. به دلیل تسلط آمریکا (مهمترین رقیب چین در صحنه بین‌المللی)، بر مسیرهای دریایی انتقال انرژی، چین تلاش می‌کند که انرژی خود را از منطقه آسیای مرکزی تأمین کند. مهمترین دلایل چین برای نفوذ در آسیای مرکزی به ترتیب، عبارتند از: بهره برداری از منابع غنی نفت و گاز این منطقه، هم‌مرز بودن با آسیای مرکزی از لحاظ مسایل امنیتی ایالت سین‌کیانگ چین، دور از دسترس بودن این منطقه برای ناوگان دریایی آمریکا. با توجه به دلایل بالا، چین بعد از فروپاشی شوروی وارد منطقه آسیای مرکزی شده و در بخش انرژی منطقه سرمایه‌گذاری کلانی انجام داده است. سیاست انرژی، در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی این کشور تأثیر بسزایی دارد زیرا که حیات اقتصادی این کشور به انرژی وابسته است. در نهایت، این پژوهش از یک طرف، به بررسی سرمایه‌گذاری‌های انجام شده و در حال انجام چین در بخش انرژی آسیای مرکزی می‌پردازد و از طرف دیگر به حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و تأثیر آن بر حضور چین در بخش انرژی منطقه می‌پردازد. روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی است.

واژگان کلیدی: امنیت انرژی، آسیای مرکزی، چین، قدرت‌های منطقه‌ای، قدرت‌های فرامنطقه‌ای

فهرست کلی مطالب

صفحه

فصل اول: کلیات و پیشینه تحقیق ۱

مقدمه: ۲

سؤال اصلی ۱۷

فرضیه اصلی ۱۷

بررسی ادبیات موضوع ۲۰

نتیجه: ۳۲

فصل دوم: ظرفیت‌ها و منابع انرژی آسیای مرکزی ۳۴

مقدمه: ۳۵

بخش اول: ذخایر و ظرفیت‌های انرژی قزاقستان ۳۷

الف: ذخایر نفت قزاقستان ۳۷

۱. میدان‌های نفتی در حال فعالیت قزاقستان ۳۹

.....	۴۱
.....	۴۲
.....	۴۵
.....	۴۸
.....	۵۰
.....	۵۱
.....	۵۵
.....	۶۰
.....	۶۱
.....	۶۳
.....	۶۷
.....	۶۹
.....	۷۹
.....	۸۸

۹۲	فصل سوم: نیازهای چین و امنیت انرژی آن
۹۳	مقدمه:
۹۷	بخش اول: سیاست انرژی چین
۱۲۰	بخش دوم: مساله سین کیانگ
۱۲۶	نتیجه:
۱۲۸	فصل چهارم: جایگاه آسیای مرکزی در تأمین امنیت انرژی چین
۱۲۹	مقدمه:
۱۳۲	بخش اول: میزان سرمایه گذاری چین در بخش انرژی آسیای مرکزی
۱۳۲	سرمایه گذاری در بخش انرژی قزاقستان
۱۳۵	سرمایه گذاری در بخش انرژی ترکمنستان
۱۳۸	سرمایه گذاری در بخش انرژی ازبکستان
۱۴۰	سرمایه گذاری در بخش انرژی قرقیزستان و تاجیکستان
۱۴۱	بخش دوم: رقباي منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای چین در آسیای مرکزی
۱۴۲	الف: قدرت‌های فرامنطقه‌ای

۱. ایالات متحده آمریکا ۱۴۲
۲. اتحادیه اروپا ۱۴۵
۳. ژاپن ۱۴۸
- ب: قدرت‌های منطقه‌ای ۱۵۲
۱. روسیه ۱۵۲
۲. ایران ۱۵۶
- نتیجه: ۱۵۹
- جمع‌بندی و نتیجه: ۱۶۱
- منابع و مأخذ: ۱۶۹

فصل اول:

کلیات و پیشینه تحقیق

مقدمه:

انرژی‌های فسیلی همچنان به عنوان سوخت اصلی در جهان کاربرد خود را حفظ کرده‌اند و جایگزین جدی برای آنها یافت نشده است. از طرفی میزان تقاضا برای انرژی، روزبه‌روز در جهان بیشتر شده و

علاوه بر کشورهای صنعتی، کشورهای در حال توسعه هم برای دست یافتن به توسعه اقتصادی دلخواه خود، نیازمند انرژی زیادی هستند. در این میان کشورهای در حال توسعه، روند شتابانی نسبت به سایر کشورها از خود نشان داده و به تبع آن احتیاج بیشتری به انرژی دارند. سهم عمده تولید نفت و گاز دنیا بر عهده کشورهای عضو اوپک بوده و این امر باعث شده است تا مصرف کنندگان انرژی، وابستگی زیادی به این کشورها پیدا کنند.^۱ به دلیل این وابستگی، آسیب پذیری کشورهای مصرف کننده در برابر نوسانات بازار انرژی بالا رفته و لطمات اقتصادی چشمگیری را متوجه آنها می کند. در این میان کشورهایی نظیر چین، که در عرصه روابط بین الملل تضادهایی با ابرقدرت آمریکا دارد، در تأمین انرژی خود دچار معضل مضاعف می شوند، چرا که در اثر نفوذ ایالات متحده بر بعضی از کشورهای تولید کننده نفت و همچنین مسیرهای انتقال انرژی، امنیت انتقال انرژی به آنها در معرض خطر قرار می گیرد. به همین علت چین در صدد است تا منابع تأمین انرژی خود را متنوع کند. در این میان، منابع نفت و گاز منطقه آسیای مرکزی و دریای خزر مورد توجه چین قرار گرفته است.^۲

در چارچوب بحث امنیت انرژی، دولت ها می کوشند امنیت دسترسی دائم به انرژی با قیمت های ثابت و معقول را حفظ کنند.^۳ این مفهوم بوسیله مکتب کپنهاگ در آغاز دهه ۱۹۹۰، عمدتاً از سوی باری بوزان معرفی و وارد ادبیات روابط بین الملل شد. به عقیده صاحب نظران، آسیب پذیری دنیا در چند سال گذشته

^۱ الهه کولایی و محمد مؤدب، "نقش و اهمیت ایران در بازار انرژی در منطقه اکو"، فصلنامه بین المللی روابط خارجی، پاییز ۱۳۸۸، سال اول، شماره ۳، ص. ۳۵.

^۲ علی امامی میبدی و بشیر اسماعیلی، "چین و منابع انرژی دریای خزر"، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال اول، شماره ۲، تابستان و پاییز ۱۳۸۷، ص. ۱۶.

^۳ الهه کولایی و ماندانا تیشه یار، "مطالعه تطبیقی رهیافت های امنیت انرژی چین و ژاپن در آسیای مرکزی"، پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۷۱، بهار ۱۳۸۹، ص ۱۲۴.

در حوزه امنیت انرژی بیشتر شده و این امر هم به بخش تفکیک‌ناپذیری از حاکمیت و امنیت ملی کشورها تبدیل شده است.^۴ مفهوم امنیت انرژی که بیشتر توسط سیاستمداران آمریکایی استفاده می‌گردد، ناظر بر این موضوع است که اولاً دسترسی آسان و بدون احتمال خطر به منابع نفت و گاز جهانی وجود داشته باشد، دوماً اینکه این منابع بصورت منطقی دارای تنوع و گوناگونی از لحاظ منطقه جغرافیایی و مسیرهای انتقال باشند و در نهایت جریان نفت و گاز از مناطقی تأمین گردد که ثبات و امنیت بیشتری داشته باشند.^۵ در جهانی که بازارهای نفت و گاز به شدت از یکدیگر متأثر هستند و رشد اقتصادی جهشی ابرقدرت‌های اقتصادی جدید نیز به نامی وضعیت بازارها افزوده است، رقابت بر سر دستیابی به منابع انرژی در میان غول‌های اقتصادی جهان روبه افزایش است. سوخت‌های حیاتی نظیر نفت، از جایگاه ویژه‌ای در سیاست‌های اقتصادی کشورهای تولیدکننده و نیز از اهمیت خاصی در استراتژی‌های امنیت اقتصادی مصرف‌کنندگان انرژی برخوردار است. به این ترتیب، دسترسی به منابع انرژی به مساله مهمی برای کشورهای تازه وارد شده به جرگه مصرف‌کنندگان عمده انرژی، مانند چین با رشد اقتصادی چشمگیر، نیز بدل شده است امنیت انرژی اصطلاحاً نسبتاً جدیدی است که به تازگی وارد ادبیات روابط- بین الملل شده است، دولت‌ها می‌کوشند امنیت دسترسی دائمی به انرژی، با قیمت‌های ثابت و معقول را حفظ کنند. به طور معمول این مفهوم شامل عرضه انرژی‌های اولیه نظیر زغال سنگ، نفت، گاز طبیعی، برق آبی و دیگر انرژی‌های جایگزین می‌شود.^۶ چین به عنوان یک کشور از لحاظ اقتصادی در حال

^۴ مرتضی، راعی دهقی، "روسیه و اتحادیه اروپایی: استراتژی‌های متقابل انرژی"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال شانزدهم، شماره ۶۰، ۱۳۸۶، ص ۳۴.

^۵ عباس، ملکی، "باز هم ژئوپلیتیک و انرژی دریای خزر"، مقالات دوازدهمین همایش آسیای مرکزی و قفقاز، تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۱۲.

^۶ الهه کولایی و ماندانا تیشه‌یار، پیشین، ۱۳۸۹، ص ۱۲۴.

توسعه، با نرخ رشد اقتصادی ۹ درصد و تا حدی پر مصرف، میزان مصرف انرژی بالایی دارد، و روزبه روز در حال افزایش است. تا زمانی که رشد جمعیت و رشد اقتصادی چین با نرخ کنونی تداوم داشته باشد، مصرف انرژی این کشور نیز با نرخ بالاتری از میزان کنونی افزایش خواهد یافت. اخیراً چین از ژاپن هم جلو زده و تبدیل به دومین مصرف کننده بزرگ انرژی جهان، بعد از ایالات متحده آمریکا، شده است. به همین دلیل واردات مطمئن و مداوم نفت تبدیل به یک مساله بغرنج در بخش سیاست خارجی چین شده است.^۷ علی‌رغم اینکه مهمترین مجاری واردات انرژی چین خاورمیانه است، اما بیشترین سرمایه‌گذاری‌های انرژی در غرب این کشور یعنی همسایگان آسیای مرکزی خود، بویژه قزاقستان است. این سرمایه‌گذاری‌ها بیشتر در زمینه اکتشاف و استخراج منابع نفت و گاز، ساخت و تعمیر زیرساخت‌ها، جاده‌ها و خطوط ریلی بوده است که از آنها برای واردات انرژی استفاده می‌شود، بوده است.

آسیای مرکزی منبع غنی مواد خام و بازار پر سودی برای چین به شمار می‌رود. از لحاظ تاریخی چین نسبت به روسیه نفوذ کمتری در منطقه داشته است، این امر تا حدی ناشی از وجود بی‌ثباتی پیرامون مرزهایش و مشکلات داخلی بوده است. آسیای مرکزی می‌تواند به محل جدیدی برای اعمال قدرت چین تبدیل شود، جایی که چین و روسیه، دو شریک نیرومند در سازمان همکاری شانگهای^۸، در حال ایجاد همکاری گروهی چند جانبه هستند. چین در تلاش است که روابط بسیار گرم و نزدیکی با هر یک از کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی برقرار کند. با این وجود، رقابت‌های اقتصادی طی چند سال آتی در آسیای مرکزی تشدید خواهد شد و چین نگران است که قدرت‌های بزرگ رقیب، مثل آمریکا و

⁷ Yang Zhong Qiang, "Central Asia Oil and China's Oil Security in 21st Century", **International Forum**, 2001, Vol. 01, No. 2, pp. 34-39.

⁸ Shanghai Cooperation Organization (SCO)

روسیه، بخواهند امنیت عرضه انرژی را برعهده بگیرند که این امر باعث به خطر افتادن حضور چین در این منطقه خواهد شد. علاوه بر این، قدرت‌های دیگری نظیر ژاپن، اتحادیه اروپا، ایران و ترکیه در حال نفوذ در منطقه هستند. چین پرجمعیت‌ترین کشور جهان، دارای رشد اقتصادی بالایی است. در سال ۲۰۰۷ تولید ناخالص داخلی این کشور ۱۱/۴ درصد بوده است که پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۰ به طور متوسط ۶/۶ درصد افزایش پیدا کند. علت افزایش تقاضای انرژی، رشد اقتصادی خیره‌کننده و افزایش پروژه‌های اقتصادی بوده و این افزایش تقاضا در حال تبدیل شدن به یک چالش بزرگ در سیاست‌های بین‌المللی چین است.^۹ در سال ۱۹۹۳ که چین به یک وارد کننده نفت تبدیل شد، همزمان با آن میزان تولید داخلی آن کشور نیز رو به کاهش گذاشت. وابستگی چین به نفت خارجی، از ۶/۳ درصد در سال ۱۹۹۳ به ۳۰ درصد در سال ۲۰۰۰ و ۴۶ درصد در سال ۲۰۰۴ بیانگر این مساله است.^{۱۰}

دلیل دیگر افزایش مصرف نفت، سیاست دولت مبنی بر تغییر دادن سوخت اصلی کشور از زغال سنگ به نفت بود. چین پروتکل کیوتو را که دولت‌ها را موظف می‌کند از میزان اشاعه گازهای خطرناک در هوا جلوگیری کند تا تغییرات آب و هوایی خطرناک رخ ندهد، در ماه می ۲۰۰۸ به امضاء رسانده است. استفاده از زغال سنگ در چین، به دو علت زیاد است، یکی به علت فراوانی این ماده، دوم؛ به علت ارزان

^۹ Xu Yi-chong, "China's Energy Security", *Australian Journal of International Affairs*, 2006, Vol. 60, No.2 pp. 265-286.

^{۱۰} Xuanli Liao, "Central Asia and China's Energy Security", *China and Eurasia Forum Quarterly*, 2006, Vol. 4, No. 4, pp. 134-153.

و دائمی بودن آن در این کشور است. برای مثال، در سال ۲۰۰۴ میزان مصرف زغال سنگ در چین در حدود ۷۰ درصد بوده در حالی که میانگین جهانی مصرف زغال سنگ ۲۵/۵ درصد بوده است.^{۱۱}

چین دارای ذخایر ثابت شده ۱۶ میلیارد بشکه نفت است که این مقدار فقط ۲/۳ درصد از کل ذخایر دنیا را در بر می‌گیرد، در حالی که این کشور به تنهایی ۲۲ درصد از کل جمعیت دنیا را شامل می‌شود.^{۱۲} این مقدار نفت شامل ۳۹۰ میلیون بشکه در نواحی ساحلی و ۲۹۰ میلیون بشکه در منابع دریایی است که در دریاها و چین شرقی، چین جنوبی (شامل تایوان)، دریای زرد و خلیج بوهایی تقسیم شده است.^{۱۳} تولید، توزیع و مصرف انرژی در چین طی سال‌های آتی یکی از معضلات اصلی چین خواهد بود. افزایش تقاضا برای تولید نفت با این واقعیت روبه‌رو است که میدان‌های اصلی نفت چین، که در شرق این کشور واقع شده و ۷۰ درصد کل تولید این کشور را در بر می‌گیرد، در حال کاهش هستند که این امر باعث بدتر شدن اوضاع انرژی چین خواهد شد. علی‌رغم این، تلاش‌ها برای توسعه هم میدان‌های نفت دریایی و هم میدان‌های حوزه تاریخیم در ایالت خودمختار سین‌کیانگ، ناامید کننده بودند. تولید نفت دریایی در سال ۱۹۹۶ حدود ۷/۳ میلیون بشکه بوده است که این مقدار فقط ۱۰ درصد تولید، آن هم با ۲ برابر هزینه چاه‌های ساحلی، را در بر می‌گرفت.^{۱۴} عرضه گاز طبیعی چین از مقدار نفت آن کشور هم کمتر است. ذخایر گاز طبیعی اثبات شده چین ۴۱ تریلیون فوت مکعب است که این مقدار تنها ۰/۸

¹¹ China Daily, "Growing Energy Demand Plaguing China", **People's Daily Online**, 2004, (online) <http://english.peopledaily.com.cn> [Accessed on 22/08/2010].

¹² BPC, British Petroleum Company, **BP Statistical Review of World Energy**, 2006, www.bp.com/marketingsection.do?categoryId=2 [Accessed on 2/12/2009].

¹³ S. E. Downs, "China's Quest for Energy Security", **Rand Cooperation**, 2000, www.rand.org/pubs/monograph_reports/MR1244/index.html [Accessed on 2/02/2010].

¹⁴ Kevin Sheives, "China Turns West: Beijing's Contemporary Strategy towards Central Asia", **Pacific Affairs**, 2006 Vol. 79, No. 2, pp. 205-209.

درصد از کل ذخایر اثبات شده گاز طبیعی جهان را در بر می‌گیرد. همین مقدار ذخایر هم به دلایل اولویت دادن به نفت، سیاست‌های حاکم بر اکتشاف و تولید، نبود زیرساخت‌های مناسب و عدم سرمایه‌گذاری‌های مطمئن چندان مورد بهره‌برداری و توسعه قرار نگرفته است.

به هر حال مشکلات زیست‌محیطی، کمبودهای موجود و واردات بی‌رویه انرژی، کشور چین را وادار کرده است که به اکتشاف و تولید گاز طبیعی از ذخایر خود توجه بیشتری نشان دهد. در حال حاضر بیشتر گاز تولیدی چین برای مصارف خانگی مخصوصاً گرمایشی و پخت و پز به کار می‌رود. برنامه توسعه میدان‌های گازی چین در نظر دارد که تولید خود را از ۶۵۴/۶ میلیون فوت مکعب در سال ۱۹۹۵ به ۳/۸ تریلیون فوت مکعب در سال ۲۰۲۰ برساند، و در مقابل پیش‌بینی می‌شود که میزان مصرف از ۶۵۴/۴ میلیون فوت مکعب در سال ۱۹۹۵ به ۵/۵ تریلیون فوت مکعب در سال ۲۰۲۰ برسد. شکاف فزاینده در تولید و مصرف نفت و گاز، چین را بیش از پیش به کشورهای دارنده انرژی وابسته کرده و ناچار است در سیاست‌های بین‌المللی خود محطاط‌تر عمل کند. میزان کسری بین تولید در مقابل مصرف نفت، در سال ۱۹۹۶، حدود ۴۰۰۰۰۰ بشکه در روز بوده است، که پیش‌بینی می‌شود این میزان تا سال ۲۰۲۰ به حدود ۵/۵ میلیون بشکه در روز افزایش یابد.^{۱۵} همچنین پیش‌بینی می‌شود که میزان گاز وارداتی این کشور تا سال ۲۰۲۰ به میزان ۳۰ درصد از کل گاز مصرفی در بر بگیرد. بدون اکتشاف ذخایر عمده جدید یا تصمیم‌گیری توسط دولت چین برای چاره‌اندیشی برای متنوع کردن راه‌های تأمین انرژی، این

¹⁵ "China's Foreign Affairs", Department of Policy Planning, Beijing, **Ministry of Foreign Affairs, PRC**, 2003, pp. 62-63.

آمار نشان می‌دهد که وابستگی چین به نفت و گاز خارجی تا دو دهه آینده یکی از ضعف‌های آن کشور در سیاست‌های بین‌المللی خواهد بود.

آسیای مرکزی از لحاظ ذخایر انرژی دومین منطقه حیاتی بعد از خلیج فارس برای چین است. این منطقه دارای منابع غنی نفت و گاز - قزاقستان، ترکمنستان و تا حدی ازبکستان - است که چین برای بدست آوردن این منابع در حال احداث خط لوله‌های متعدد است. در ژوئن ۱۹۹۴ شرکت ملی نفت چین،^{۱۶} ۶۰ درصد از سهام شرکت نفت آکیتوبینسک قزاقستان را به ارزش ۳/۴ میلیارد دلار خریداری کرد. این شرکت همچنین اعلام کرد که یک خط لوله‌ای به طول ۳۰۰۰ کیلومتر به ارزش ۳/۵ میلیارد دلار، که نواحی شرق قزاقستان را به نواحی غربی چین در سین‌کیانگ متصل می‌کند خواهد ساخت. به طور کلی طی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵ چین نزدیک به ۱۰ میلیارد دلار در قزاقستان سرمایه‌گذاری کرد.^{۱۷}

ازبکستان کشور دیگر آسیای مرکزی است که چین با آن قراردادهایی را در زمینه توسعه نفت و گاز این کشور امضاء کرده است. هر چند که از میزان ذخایر این کشور به اندازه قزاقستان نیست اما این کشور از لحاظ امنیت منطقه‌ای برای چین بسیار مهم است. با توجه به ثبات ایجاد شده ناشی از فعالیت شرکت‌های چینی در منطقه، مسلمانان ایالت سین‌کیانگ نیز از امتیازات اقتصادی زیادی برخوردار گردیده‌اند. این

¹⁶ China National Petroleum Corporation (CNPC)

¹⁷ Fu K. and L.S. Han, "Chinese Companies Pursue Overseas Oil and Gas Assets", *Oil and Gas Journal*, 2005, Vol. 23, No. 2, pp. 132-134.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

عنوان:

جایگاه آسیای مرکزی در تأمین امنیت انرژی چین

نگارش:

جواد زراعت پیما

استاد راهنما:

دکتر الهه کولایی

استاد مشاور:

دکتر داوود آقایی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته مطالعات منطقه‌ای-آسیای مرکزی و قفقاز

مهرماه ۱۳۸۹

چکیده

در چند دهه اخیر، کشورهای در حال توسعه روند شتابانی را در مصرف انرژی از خود نشان داده و در آینده این میزان افزایش چشمگیری خواهد یافت. چین به عنوان بزرگترین کشور در حال توسعه جهان (از لحاظ اقتصادی)، برای ادامه توسعه اقتصادی خود نیاز شدیدی به انرژی دارد. از آنجایی که این کشور توانایی تولید تمام انرژی مورد نیاز خود در داخل را ندارد، بنابراین ناگزیر است از منابع خارجی آن را تأمین کند. به دلیل تسلط آمریکا (مهمترین رقیب چین در صحنه بین‌المللی)، بر مسیرهای دریایی انتقال انرژی، چین تلاش می‌کند که انرژی خود را از منطقه آسیای مرکزی تأمین کند. مهمترین دلایل چین برای نفوذ در آسیای مرکزی به ترتیب، عبارتند از: بهره برداری از منابع غنی نفت و گاز این منطقه، هم‌مرز بودن با آسیای مرکزی از لحاظ مسایل امنیتی ایالت سین‌کیانگ چین، دور از دسترس بودن این منطقه برای ناوگان دریایی آمریکا. با توجه به دلایل بالا، چین بعد از فروپاشی شوروی وارد منطقه آسیای مرکزی شده و در بخش انرژی منطقه سرمایه‌گذاری کلانی انجام داده است. سیاست انرژی، در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی این کشور تأثیر بسزایی دارد زیرا که حیات اقتصادی این کشور به انرژی وابسته است. در نهایت، این پژوهش از یک طرف، به بررسی سرمایه‌گذاری‌های انجام شده و در حال انجام چین در بخش انرژی آسیای مرکزی می‌پردازد و از طرف دیگر به حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و تأثیر آن بر حضور چین در بخش انرژی منطقه می‌پردازد. روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی است.

واژگان کلیدی: امنیت انرژی، آسیای مرکزی، چین، قدرت‌های منطقه‌ای، قدرت‌های فرامنطقه‌ای

فهرست کلی مطالب

صفحه

فصل اول: کلیات و پیشینه تحقیق ۱

مقدمه: ۲

سؤال اصلی ۱۷

فرضیه اصلی ۱۷

بررسی ادبیات موضوع ۲۰

نتیجه: ۳۲

فصل دوم: ظرفیت‌ها و منابع انرژی آسیای مرکزی ۳۴

مقدمه: ۳۵

بخش اول: ذخایر و ظرفیت‌های انرژی قزاقستان ۳۷

الف: ذخایر نفت قزاقستان ۳۷

۱. میدان‌های نفتی در حال فعالیت قزاقستان ۳۹

.....	۴۱
.....	۴۲
.....	۴۵
.....	۴۸
.....	۵۰
.....	۵۱
.....	۵۵
.....	۶۰
.....	۶۱
.....	۶۳
.....	۶۷
.....	۶۹
.....	۷۹
.....	۸۸